

بررسی روایان شأن نزول آیه ولایت*

دکتر سید محمد مرتضوی
گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

شیعه در التزام به مکتب اهل بیت (ع) و پیروی از آن از استدلال به کتاب، سنت و عقل بهره وافر و جسته است. از جمله آیاتی که شیعه درباره امامت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین (ع) به آن استدلال کرده آیه ولایت است. استدلال شیعه به این آیه بر مقدماتی استوار می‌باشد، یکی از آن مقدمات نزول آیه یاد شده درباره آن حضرت است.

باید توجه داشت که شأن نزول بعضی از آیات، تأثیر مهمی در فهم آنها دارد به گونه‌ای که بدون توجه به شأن نزول، مقصود از آیه حاصل نخواهد شد. از طرفی، مخالفان اندیشه شیعه درباره شأن نزول آیه یاد شده شبهاتی ایراد کرده‌اند. از جمله، گفته‌اند که آن روایانی که نزول آیه یاد شده را درباره امام علی (ع) نقل کرده‌اند همه شیعه می‌باشند و روایت آنان اعتبار ندارد!

این مقاله درصدد است با بررسی منابع حدیثی و رجالی اهل سنت ملاک پذیرش روایت را به دست آورد و این که آیا شیعه بودن راوی مضر به وثاقت اوست یا نه و این که روایان نزول آیه یاد شده کیستند؟ بنابراین، روش تحقیق، روش توصیفی، تحلیلی خواهد بود و بر اساس منابع متقن اهل سنت استوار می‌باشد. بر اساس بررسی‌های انجام شده در منابع اهل سنت نه ملاک پذیرش روایت سنی بودن است و نه شیعه بودن مضر به وثاقت راوی است. گذشته از آن، روایان حدیث نزول آیه یاد شده درباره امام علی (ع) چندین نفر از صحابه‌اند که بر اساس مبنای مشهور اهل سنت همه عادلند و باید حدیث آنان را پذیرفت.

کلیدواژه‌ها: کتاب، سنت، فریقین، صحابه، تابعین، وثاقت، حدیث، سبب

نزول، آیه ولایت.

گفته اند که روایان روایاتی که دلالت می کند بر اینکه آیه « انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...» در حق امام علی(ع) نازل شده است تنها از شیعیانند و آنان بر اساس هوی و هوس این روایات را ساخته اند، زیرا از آیات قبل و بعد این آیه روشن است که درباره امام نازل نشده است. این شبهه در برخی از منابع آمده است (دروزه، ۱۳۳/۱۱؛ طنطاوی، ۲۰۰/۴).

در این کلام سه شبهه مطرح می باشد که باید هر یک به طور مستقل مورد بررسی قرار گیرد که در اینجا تنها شبهه تشیع راویان را مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد. در یک تقسیم کلی روایان حدیث نزول آیه مذکور و شأن نزول آن به دو گروه تقسیم می شوند: الف) صحابه؛ ب) تابعین.

الف - صحابه

قبل از نقل روایت از طریق اصحاب لازم است درباره اعتماد اهل سنت به سخن صحابه، بگوئیم که ایشان معتقدند که همه صحابه عادلند (عسقلانی، *الاصابه*، ۶/۱؛ آمدی ۱۰۲/۲؛ خطیب بغدادی، ۴۸-۴۹).

با توجه به این دیدگاه، اگر یک نفر از آنان نزول این آیه را درباره امام علی(ع) نقل کند کافی است، تا چه رسد به اینکه چندین نفر نقل کنند. اکنون این روایت را از قول اصحاب نقل می کنیم:

۱- امام علی(ع)

به لحاظ تقدّم در اسلام و فضیلت در علم، تقوا، جهاد و ... در میان صحابه، امام علی(ع) برجسته است و اگر ما بخواهیم اعتقاد خودمان را درباره ارزش و اعتماد به کلام مولی امام علی(ع) بیان کنیم، بسیار طولانی خواهد شد (رش مرتضوی، مذکور در بخش منابع). و تنها به نقل قول یکی از علمای مشهور اهل سنت یعنی ابن ابی الحدید اکتفا می کنیم. او در این زمینه می گوید: همان طور که سخن رسول خدا(ص) را حق می دانیم سخن امام علی(ع) را نیز حق می دانیم و همان گونه که به رفتار رسول

خدا(ص) استدلال می کنیم به رفتار امام علی(ع) نیز استدلال می کنیم و همچنان که اطاعت از رسول خدا را واجب می دانیم اطاعت از امام علی(ع) را نیز واجب می دانیم و هر گاه نزد ما ثابت شود که امام علی(ع) از کسی بیزار است ما نیز از او بیزار می جوییم؛ آن شخص هر که می خواهد باشد(ابن ابی الحدید، ۳۵/۲۰).

علمای اهل سنت که نزول این آیه درباره امام علی(ع) را از قول ایشان نقل کرده اند دو گروه می باشند:

الف- گروهی که بدون ذکر سند روایت، آن را از امام نقل کرده اند (زحیلی، ۲۳۲/۶؛ بیضاوی، ۳۳۸/۲؛ جزائری، ۶۴۴/۱۰ و منابع دیگر).

ب- گروهی که با ذکر سلسله سند تا امام، روایت را از قول امام نقل کرده اند(ابن کثیر، ۶۷/۲؛ حسکانی، ۲۲۶/۱ و منابع دیگر).

۲- عبدالله بن عباس

یکی از روایان حدیث نزول آیه در شأن امام، عبدالله بن عباس است. ابن عباس را به سبب وسعت معلوماتش دریا و حبر امت می گفتند(ابن اثیر، ۲۹۱/۳).

ابوالحسن مدائنی از ابی بکره نقل می کند که ابن عباس از نظر هیبت، دانش، پوشش ظاهری، زیبایی و کمالات نفسانی همانندی در عرب نداشت(عسقلانی، ۹۰/۴). این مسئله مورد اتفاق است که رسول خدا(ص) درباره او دعا کرده است و به برکت دعای آن حضرت او به چنان مقام علمی رسیده است که از وی به حبر امت و ترجمان القرآن یاد می کنند. (زرکلی، ۹۵/۴).

عبدالله بن عمر به او می گفت که رسول خدا از خدا خواسته است که دین شناسی و دانش تأویل قرآن را به او اعطا فرماید(عسقلانی، همان جا).

بنابراین، چه دیدگاه مشهور اهل سنت درباره صحابه را بپذیریم و چه صحابه را مثل بقیه افراد قابل جرح و تعدیل بدانیم، وثاقت ابن عباس مورد اتفاق همه است. نزول

آیه مورد بحث درباره امام به نقل از ابن عباس در شماری از منابع و مصادر مهم آمده است (قنوجی، ۴۵۳/۳؛ قرطبی، ۲۱/۶؛ آلوسی، ۱۶۷/۶ و منابع دیگر).

۳- ابوذر غفاری

دانشمندان اهل سنت او را ستوده اند، از جمله ابن اثیر درباره او می گوید که در اوائل اسلام، زمانی که رسول خدا در مکه بود، ابوذر اسلام آورد، او چهارمین یا پنجمین نفری است که اسلام آورده است. سه سال قبل از بعثت نیز موحد بود و با رسول خدا بر این اساس بیعت کرد که سرزنش هیچ سرزنش گری در راه خدا مانع او نشود و همیشه حق را بگوید گرچه تلخ باشد (ابن اثیر، ۵۶۳/۱). ابن حجر او را زاهدی مشهور و راست گفتار خوانده است (۶۰/۷). عبدالله بن عمر می گوید: «از رسول خدا شنیدم که می فرمود: زمین نروید و آسمان سایه نیفکند بر راستگوتر از ابوذر» (همو، ۶۲/۷).

با توجه به ویژگیهایی که از ابوذر در روایات و کتب یاد شده است، اگر نزول آیه یاد شده را درباره امام جز ابوذر راوی دیگری نقل نمی کرد، لازم بود آن را بپذیریم، تا چه رسد به اینکه چندین صحابی همانند او نقل کرده اند. نزول آیه به نقل از ابوذر در منابع بسیاری آمده است (نیشابوری، ۲۸۴/۴؛ ثعلبی، ۸۱/۴ و منابع دیگر).

۴- عمار بن یاسر

یکی از اصحاب جلیل القدر است. ابن اثیر او را چنین وصف می کند: «عمار از پیشگامان در اسلام آوردن می باشد و مادرش سمیه اولین شهید در راه خدا می باشد» (۱۲۲/۴).

ابن حجر در وصف وی می نویسد که «در حالی که عمار و پدرش شکنجه می شدند، رسول خدا (ص) که آنان را می دید، می فرمود آل یاسر صبر کنید، وعده گاه شما بهشت است» (۲۷۳/۴).

رسول خدا (ص) در روایتی عمار را محور تشخیص حق و باطل قرار داده است

که بدون تردید عمار به دست یک گروه سرکش کشته خواهد شد (همو، ۲۷۴/۴).
یک از راویان حدیث نزول آیه مذکور در شأن امام علی (ع) عمار بن یاسر
می باشد که در منابع بسیاری این حدیث به نقل از وی آمده است (سلطان العلماء،
۳۹۳/۱؛ سیوطی، اسباب، ۱۴۸).

۵- مقداد بن اسود

مقداد پسر عمرو معروف به مقداد پسر اسود از پیشگامان در اسلام می باشد.
وی به حبشه مهاجرت کرد و سپس به مکه بازگشت و در جنگ احد و دیگر جنگهای
رسول خدا (ص) شرکت داشت. او صاحب فضائل بسیاری است (ابن اثیر، ۲۴۲/۵).
ابن حجر می نویسد که مقداد دو بار هجرت کرد و در جنگ بدر و بقیه جنگها
حضور داشت (عسقلانی، ۱۳۳/۶). رسول خدا درباره مقداد فرموده است که خداوند به
من دستور داده است که چهار تن را دوست داشته باشم و به من خبر داده است که او
نیز آنان را دوست دارد. آن چهار تن عبارتند از علی، مقداد، ابوذر و سلمان (همو،
۱۳۴/۶).

یکی از راویان حدیث نزول آیه مورد بحث در شأن امام علی (ع) مقداد می باشد
که روایت منقول از وی در دو منبع آمده است (سلطان العلماء، همان جا؛ حسکانی،
۲۲۸/۱).

۶- غالب بن عبدالله

هنگام فتح مکه رسول خدا او را با شصت سوار برای آماده کردن راه سپاه
فرستاد (ابن اثیر، ۳۲۱/۴).

یکی از راویان حدیث نزول آیه در شأن امام علی (ع) غالب بن عبدالله می باشد
(ابن جوزی، ۲۴).

۷- جابر بن عبدالله انصاری

هنگام کودکی همراه پدرش در پیمان عقبه دوم مردم مدینه با رسول خدا حضور

داشت و در هجده جنگ همراه رسول خدا بود و در جنگ صفین همراه امام علی(ع) بود و در پایان عمر نابینا شد. او از کسانی است که روایت بسیاری دارند و برای حفظ سنت رسول خدا کوشا بود(ابن اثیر، ۴۹۳/۱). ابن حجر از هشام بن عروه نقل می کند که مردم از جابر بن عبدالله در مسجد رسول خدا، علم می آموختند(عسقلانی، ۲۲۳/۱). برخی از منابع روایت یاد شده را به نقل از جابر آورده اند.(سلطان العلماء، همان جا؛ حسکانی، ۲۲۴/۱).

۸- عبدالله بن سلام

نام عبدالله قبل از اسلام حصین بود و هنگامی که مسلمان شد رسول خدا نام او را به عبدالله تغییر داد. عبدالله هنگامی که رسول خدا به مدینه مهاجرت کرد اسلام آورد.(ابن اثیر، ۲۶۵/۳). در شماری از منابع روایت مزبور به نقل از وی آمده است(فخر رازی، ۳۸۴/۴؛ نیشابوری، ۲۸۴/۴).

۹- اسلم ابورافع

نام ابورافع، اسلم و قبطنی و بنده عباس، عموی رسول خدا(ص)، بود. عباس او را به رسول خدا بخشید و رسول خدا او را آزاد کرد. ابورافع به این افتخار می کرد و می رفت من آزاد شده رسول خدایم. رسول خدا سلمی را که آزاد شده خودش بود به همسری ابورافع درآورد. ابورافع در جنگ احد، خندق و دیگر جنگها شرکت داشت(ابن اثیر، ۲۱۵/۱). در شماری از منابع روایت یاد شده به نقل از ابورافع آمده است(سیوطی، الدرالمشور، ۹۹/۲؛ ابن کثیر، ۶۷/۲ و منابع دیگر).

۱۰- انس بن مالک

خادم رسول خدا (ص) بود و به این نام نامیده می شد و بدان افتخار می کرد. ده سال خدمتگزار رسول خدا بود و از کسانی است که از رسول خدا بسیار روایت می کند(ابن اثیر، ۲۹۴/۱).

در دو منبع به نقل از وی، روایت مزبور آمده است(گنجی، ۲۲۹؛ حسکانی، ۲۱۳/۱).

۱۱- حسان بن ثابت

حسان بن ثابت گذشته از آنکه از اصحاب رسول خدا است، شاعر نیز هست. اشعارش را در حضور رسول خدا می خواند و سخنش تأیید آن حضرت و اصحاب را به دنبال داشت. حسان به زبان شعر این روایت را بیان کرده است:

ابا حسن تفدیک نفسی و مهجتی	و کل بطیء فی الهدی و مسارع
ایذهب مدیحک المحیر ضایعاً	و مالمدح فی جنب الإله بضائع
فانت الذی اعطیت اذ کنت راکعاً	زکوة فدتک النفس یا خیر راکع
فانزل فیک الله خیر ولایة	و ثبتها مثنی کتاب الشرائع

۱۲- خزیمه بن ثابت

او شخصیتی است که رسول خدا (ص) در دستگاه قضاوت اسلامی شهادت او را به جای دو شهادت پذیرفته است. از این رو همه کسانی که شرح زندگانی او را نوشته اند لقب «ذوالشهادتین» را به وی داده اند. (ذهبی، سیر، ۴۸۶/۲).

خزیمه بن ثابت این روایت را در چندین شعر بیان کرده است. به عنوان نمونه (انصاری، ۶۴؛ حسکانی، ۷۰/۱).

فدیت علیاً امام الوری	سراج البریه مأوی التقی
وصی الرسول و زوج البتول	امام البریه شمس الضحی
تصدق خاتمه راکعاً	فاحسن بفعل امام الوری

۱۳- عمرو بن عاص

همه کسانی که با تاریخ اسلام و درگیریهای عصر امام علی آشنا کنید، نقش عمرو را در حمایت از معاویه در درگیری با امام می دانند. با اینکه عمرو بن عاص برای رسیدن به دنیا در جریان حکمیت، امام علی(ع) را از خلافت عزل کرد، ولی قبل از پیوستن به معاویه در نامه ای به وی اعتراف می کند که جانشینی رسول خدا(ص) و حق حاکمیت از آن علی است و آیه «انما» در شأن امام علی(ع) نازل

شده است (خوارزمی، ۱۲۹).

آنچه بیان شد، بعضی روایات منقول از راویان از صحابه رسول خدا در منابع اهل سنت می باشد، ولی شمار راویان حدیث از صحابه رسول خدا در منابع شیعه چندین برابر می باشد که در اینجا بنا نداریم از منابع شیعه نقل کنیم.

ب- تابعین

درباره این گروه نیز تنها از دیدگاه اهل سنت ابتدا وثافت آنان را مطرح می کنیم و سپس محدثانی که از قول این گروه این روایت را نقل کرده اند نام می بریم. بعضی از این افراد عبارتند از:

۱- سلمه بن کُهیل

سلمه در سال ۴۷ هجری به دنیا آمد و در روز عاشورای سال ۱۲۱ هجری از دنیا رفت. با توجه به اینکه در سال ۴۷ به دنیا آمده بسیاری از صحابه را درک کرده است و از آنان روایت می کند. در منابع از تشیع او سخن رفته است (ذهبی، همان، ۲۹۸/۵-۲۹۹) و وثافت و راستگویی (همان جا، ابن ابی حاتم، ۱۶۳/۴؛ عسقلانی، تقریب، ۳۰۸/۱) و کثرت احادیث منقول از او مورد تأکید قرار گرفته است. (ابن سعد، ۳۱۴/۶).

با تجلیل و عظمتی که محدثان اهل سنت از این شخص یاد می کنند، جایی برای شبهه کذب او بقی نمی ماند و با این وصف، شیعه بودن او مانع پذیرش حدیث او نخواهد شد. برخی از منابع این حدیث را از او نقل کرده اند (ابن ابی حاتم، ۱۱۶۲/۴؛ ابن کثیر، ۶۷/۲ و منابع دیگر).

۲- مجاهد بن جبير

در سال ۲۱ هجری در دوران حکومت عمر به دنیا آمد. سال وفات او را سال ۱۰۴ گفته اند. بر این اساس، وی از صحابه، نقل حدیث می کند (عسقلانی، تهذیب، ۳۷۴/۵). او را فقیه عالم و ثقه و صاحب احادیث بسیار (ابن سعد، ۲۰/۶)، شیخ قراء و مفسران (ذهبی، سیر، ۴۴۹/۴) و فقیه پرهیزگار و درستکار و مکی ثقه (عسقلانی،

تهذیب، ۳۷۴/۵) خوانده اند.

لذا با این تجلیل و توصیف، دیگر جایی برای شبهه کذب او باقی نخواهد ماند. در منابع فراوانی این حدیث به نقل از او درآمده است (ماوردی، ۴۸/۲؛ جصاص، ۱۰۲/۴ و منابع دیگر).

۳- سدی (اسماعیل بن عبدالرحمن)

در سال ۱۲۷ هـ از دنیا رفته است و از این رو، وی از صحابه نقل حدیث کرده است (ذهبی، همان، ۲۶۴/۵). در منابع از شیعه بودنش سخن رفته است (عسقلانی، تقریب، ۸۳/۱؛ ذهبی، میزان، ۳۹۶/۱). همچنین او را «امام مفسر» (ذهبی، سیر، ۲۶۴/۵)، ثقه (مزی، ۱۳۴/۳)، «حسن الحدیث» (ذهبی، کاشف، ۲۴۷/۱) خوانده اند. منابع بسیاری روایت یاد شده را از او نقل کرده اند.

۴- عتبه بن ابی حکیم

در سال ۱۴۷ هجری از دنیا رفته است. درباره وثاقت او تعبیرات چندی گفته اند؛ ابن حجر وی را «صدوق» خوانده است (تهذیب، ۶۳/۴ و ۶/۲). ابو حاتم نیز با عبارت «صالح الحدیث» وی را ستوده است (ذهبی، کاشف، ۶۹۴/۱). طاطری، ابوزرع و ابن حبان نیز وی را «ثقه» و راستگو شمرده اند (عسقلانی، تهذیب، ۶۳/۴). برخی از منابع، این روایت را از او نقل کرده اند (ثعلبی، ۸۰/۴؛ جصاص، ۱۰۲/۴ و منابع دیگر).

۵- عطاء بن سائب

در سال ۱۳۶ هجری از دنیا رفته است درباره وثاقت او نظریات گوناگونی گفته اند. ذهبی گفته است: «الامام الحافظ محدث الكوفه و كان من كبار العلماء، لكنّه ساء حفظه قليلاً في اواخر عمره» (سیر، ۱۱۰/۶). احمد بن حنبل گفته است: «ثقه ثقه

رجل صالح» (موسوعه، ۲/۴۵۰). مؤلف *شواهد التنزیل* از او این حدیث را نقل کرده است (حسکانی، ۱/۲۱۸).

۶- عبدالملک بن جریج المکی

در سال ۱۵۰ هجری از دنیا رفته است. درباره وثاقت او تعبیرهای گوناگونی گفته اند. ذهبی گفته است: «الامام، العلامة، شیخ الحرم، صاحب التصانیف و اول من دون العلم بمکه» (سیر، ۳۳۴/۶، ۳۲۶/۶). برخی از منابع، این حدیث را از او نقل کرده‌اند (حسکانی، ۱/۲۱۹؛ نیشابوری، *غرائب*، ۴/۲۸۴).

نتیجه

بر اساس تحقیقات انجام شده رجال شناسان و محدثان بزرگ و مشهور اهل سنت در پذیرش روایت راوی توجهی به مذهب و عقیده او ندارند بلکه آنچه برای آنان اهمیت دارد وثاقت و دیانت اوست و اگر بنا بود اصحاب مذاهب اسلامی حدیث هر راوی را به صرف داشتن عقیده ای دیگر کنار بگذارند امروز احادیث بسیاری از بین رفته بود. از طرفی، راویان حدیث نزول آیه ولایت درباره امام علی (ع) جمعی زیاد از صحابه رسول خدا (ص) می باشند که بر اساس رأی مشهور اهل سنت همه آنان عادلند و سخن آنان مورد پذیرش. همچنین جمعی از راویان حدیث یاد شده جمعی از تابعین می باشند که محدثان مشهور اهل سنت آنان را ثقه و مورد اعتماد می دانند و حدیث آنان را در کتب خود نقل کرده اند.

منابع

قرآن کریم

آلوسی، ابوالفضل شهاب الدین السید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

الآمدی، *الاحکام فی اصول الاحکام*، بیروت، داراحیاء التراث.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد بن ادريس، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق، اسعد محمد الطیب، بیروت، المكتبة العصرية، الطبعة الثانية، ۱۴۱۹هـ- ۱۹۹۹م.

ابن ابی الحدید، عزالدین، ابو حامد، بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن الاثیر، عزالدین، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، تحقیق، الشیخ علی محمد، معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن الجوزی، العلامة، شمس الدین، ابوالمظفر، یوسف بن فرنلی، *تذکرة الخواص*، قم، منشورات الرضی.

ابن حنبل، احمد، *موسوعة اقوال امام احمد بن حنبل، فی رجال الحديث و علاله*، السید ابوالمطاطی بیروت، عالم الکتب، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷هـ- ۱۹۹۷م.

ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق، محمد عبدالقادر، عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰هـ- ۱۹۹۰م.

ابن کثیر، اسماعیل، *تفسیر القرآن العظیم*، قاهره، دارالحديث، الطبعة الاولى.

البيضاوی، عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی، *تفسیر البيضاوی المسمى انوار التنزيل و اسرار التأويل*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴هـ- ۱۹۹۶م.

الثعلبي، ابواسحاق، **الكشف و البيان**، تحقيق محمد بن عاشور، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٢٢هـ.

الجزائري، ابوبكر، **ايسر التفاسير لكلام العلي الكبير**، داراضواء ١٤١٩هـ.
الجصاص، ابوبكر احمد بن علي، **احكام القرآن**، تحقيق، محمد، الصادق، قمحاوي، بيروت، داراحياء التراث العربي.

الجويني، المحدث، ابراهيم بن محمد ابن المويد، **فرائد المسطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين**، بيروت، موسسه المحمودي.

الحسكاني، الامام، الحافظ، عبيدالله بن عبدالله، **شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في اهل البيت (ع)**، تحقيق، الشيخ المحمودي، بيروت، موسسه الاعلمي.
خطيب بغدادي، احمد بن علي، **الكفاية في علم الرواية**، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٩هـ-١٩٨٨م.

خوارزمي، الحافظ ابوالمؤيد، الموفق بن احمد، **المناقب**، تحقيق، الشيخ مالك المحمودي، قم، موسسه النشر الاسلامي، الطبعة الثانيه، ١٤١٤هـ.

دروزه، محمد عزه، **التفسير الحديث**، مطبعه عيسى البابي، الطبعة الاولى.

الذهبي، محمد بن احمد، **سير اعلام النبء**، بيروت، موسسه الرساله.

_____ **الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة**، تحقيق، محمد غواته، جده، دارالقبله، الطبعة الاولى، ١٤١٣هـ-١٩٩٢م.

_____ **ميزان الاعتدال في نقد الرجال**، تحقيق، الشيخ علي محمد، معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، الطبعة الاولى، ١٤١٦هـ.

سلطان العلماء، عزالدين عبدالعزيز بن عبدالسلام، **تفسير القرآن**، تحقيق الدكتور عبدالله بن ابراهيم، دار ابن حزم، الطبعة الاولى، ١٤١٦هـ-١٩٦٦م.

الزرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
السیوطی، جلال الدین، *اسباب النزول*، حققه بدیع السید اللحام، بیروت، دارالهجره،
الطبعه الاولی.

_____، *الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالمعرفه.

العسقلانی، احمد بن حجر، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

_____، *تقریب التهذیب*، تحقیق، خلیل مامون، بیروت، دارالمعرفه،
الطبعه الثانيه، ۱۴۱۷هـ-۱۹۹۷م.

_____، *تهذیب التهذیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

القرطبی، ابو عبدالله، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث
العربی.

الکنجی، الامام الحافظ، محمد بن یوسف بن محمد القرشی، *کفایة الطالب فی مناقب
علی بن ابی طالب*، تحقیق، محمد هادی، الامینی، نجف، المطبعه الحیدریه، الطبعه
الثانیه.

الماوردی، علی بن محمد بن حییب، *النکت و العیون*، تحقیق، السید بن
عبدالمقصود، بیروت، دارالکتب العلمیه.

مرتضوی، سید محمد، *سیمای امام علی (ع) در نگاه نبی (ص)*، مشهد، انتشارات امام
باقر (ع) ۱۳۷۹ ش.

المزی، جمال الدین، ابی الحجاج، یوسف، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق،
الدکتور بشار عواد، بیروت، مؤسسة الرساله، الطبعه الثانيه، ۱۴۰۵هـ-۱۹۸۵م.

النیشابوری، القمی، نظام الدین، حسن بن محمد بن الحسین، *تفسیر غرائب القرآن و
رغائب الفرقان*، تحقیق، الدکتور حمزه، النشرتی، القاہره، المكتبه القيمه.